

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دولت و امور اجتماعی مردم

از پنبه اقتصاد معاومتی

از دکتربمحمد اسماعیل اکبری

## مقدمه:

پایان دوره ی خدمتی دولت و همه برنامه ریزی های آشکار و پنهان برای تشکیل دولت یازدهم و همچنین بیان محوری اقتصاد مقاومتی بهانه ای شد تا این سطور رقم بخورد و از دیدگاه یک متخصص امور اجتماعی نیازهای اقتصادی بیان گردد .

دولت ها نمایندگانی منتخب از مردم هستند که با علم ، اعتقاد و عملکرد مناسب امور اجتماعی را رتق و فتق نموده و زندگی مردمان را سامان می دهند . تلاش میشود از کلی گویی به مفهوم عدم شناخت و تعریف مسئولیت ها احتراز شود و از اطاله کلام نیز خودداری گردد تا انشاء..

تعالی آنچه مرضی حق تعالی است جاری گردد . دولت را منتخبین مردم دانستیم که مکلف هستند پازل امور اجتماعی مورد نیاز مردم را با امکاناتی که از سوی مردم در اختیار می گیرند بنحوی تکمیل کنند که چشم اندازی زیبا و جایگاهی متین به منصفه ظهور برسد .

مردم ، جمعی تعریف شده ، محصور در جغرافیایی مشخص از بهترین مخلوقات خدا هستند که خالقشان دوستشان دارد و از رگ گردن به آنها نزدیک تر است . آنقدر آنها را دوست دارد که در تاریخ خلقت شاخص های روشنی برای خدمت به آنها تعریف کرده است . شاخص هایی که

تاریخ انسان با همه گریزها و فرارهایش پذیرفته است، اینها حق مردمان است بر مسئولین. کرامت انسانی، عزت انسانی، معنویت گرایی و پاسخگویی به حداقل نیازهای اساسی او شاخصهای روشنی هستند که مسئولین باید به مردمان بدهند. در دستورالعمل دین ما تکلیف مسئولین هم به خوبی روشن شده است، از روزی که نیت می کنند مسئولیتی بپذیرند تا روز قیامت.

می گویند در دنیای باقی فوج فوج از مردم پاک دل به بهشت راهنمایی میشوند تا به گروهی میرسند که ندا می آید:

... وقفوا هم انهم مسئولون... «قرآن کریم آیه ۲۴ سوره مبارکه صافات»  
مسئولین باید ذره ذره حساب پس بدهند حساب و کتاب دقیق از زمانی که اندیشه کرده اند یا حتی نیت کرده اند، تا زمانی که عمل کرده اند و نتیجه عمل آنها به مردمان برگشته است.

مقوله بسیار پیچیده ای است که در قالب علم این بنده و همچنین زمان ما نمی گنجد؛ بیشتر قصد اینجانب معرفی مقوله امور اجتماعی و آنها از پنجره اقتصاد است که امروز بنام اقتصاد مقاومتی می شناسیم، تا طلبکاری به موقعی از مسئولان داشته باشیم

شاید عملی ترین تعریف برای علم اقتصاد، "گذران زندگی مردم به احسن وجه و ارتقای مستمر آن" باشد. زندگی مردم خود دارای مولفه هایی است که همان امور اجتماعی هستند. اما تعریف اقتصاد مقاومتی تا آنجا که من می فهمم چنان است که گفتیم یعنی باز هم گذران

زندگی مردم به احسن وجه و ارتقای مستمر آن . اما این بار با حواس  
جمعی بیشتر ، اینجا بقول خارجی هاطبل های اثر بخشی هزینه ( Cost  
Efficiency) و بهره دهی مناسب هزینه (Cost Beneficiency)  
نیز به صدا در آمده اند ، حتی ذره ای از منابع نباید به هدر روند و حتی  
نباید در جایی مصرف شوند که بهره کمتری میدهند ، بلکه باید با  
وسواس و دقت ، سرمایه ها در جایی مصرف شوند که بهترین نتیجه  
برای مردمان حاصل شود . همان شاخص معروف و معتبر دینمان یعنی  
"اسراف" و "تبذیر" جلوگیری شود . چقدر آسان و چقدر جامع است این  
شاخص های ارزشیابی "اقتصاد مقاومتی" اگر ساعتی از عمر مردمان  
بدلیل برنامه ریزی های نادرست مسئولین به هدر رود و یا نتیجه خوب  
ندهد اسراف شده است همچنین است برای ریالی از بیت المال و هر منبع  
دیگری که می شناسیم . همچنین مصیبت بار است اگر سرمایه ها چه از  
نوع انسانی چه مالی و چه تجهیزاتی در آنجا که باید مصرف نشوند و  
تبذیر و اسراف پیش آید ، که خداوند آنها را دوست ندارد .

هدف ما همین است ، دعوت از دانشمندان محترم علم اقتصاد که این  
شاخص ها را با گوشت و جان خود درک کرده اند و آنها را می شناسند تا  
بر سفره امور اجتماعی که در محضرشان باز می کنیم بنشینند و با آرایش  
علمی و اقتصادی بدون ذره ای از اسراف و تبذیر سفره را آنچنان رنگین  
تحویل دهند که رضای مردمان در قالب دین حاصل و نهایتاً رضای  
خالقشان نیز فراهم گردد . بدیهی است در این میان ، توان مندی

مردمان را از قلم نمی اندازیم ، و نمی خواهیم سفره ای برای همه یکسان چیده شود ، بلکه باید بر توانمند کردن مردم اصرار کرد . این توانمندی ، هم تلاش فردی می طلبد و هم تلاش اجتماعی که محوریت هدایت آن را دولت مردان به عهده گرفته اند . ما به خوبی می دانیم که خالق مردمان سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خود تغییر پیدا کنند «ان ... لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (قرآن کریم آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد) .

تغییر مردمان در تلاش فرد فرد آنها نهفته است ، اما حوض کوچک ، ماهی قرمز کوچولو پرورش می دهد و دریا و اقیانوس نهنگ . شناخت استعدادها و پرورش آنها با همان شاخص "اسراف" و "تبذیر" نیز از وظایف دولت مردان است .

و اما امور اجتماعی را تعابیر و تعاریف مختلفی است که گاهی تفسیر به رأی میشود و گاهی هم تفسیر به جمع که هر دو می تواند از عدالت قلم محروم باشند ، ما در اینجا تبیین چهره می کنیم و تلاش می کنیم چهره نگاری درستی از نیازهای مردمان پیش روی مسئولان به نمایش بگذاریم تا آنها با علم و اعتقاد و عمل خود تفسیری درست بیابند و عملی نیکو انجام دهند .

معمولاً در علوم اجتماعی ، این امور را به چهار شاخه تقسیم می کنند که سه شاخه اول آن را وظیفه دولت مردان و شاخه چهارم را رسالت دولت می نامند . این امور عبارتند از :

- آموزش

- سلامت

- امنیت که وظیفه دولت مردان است و حفظ محیط زندگی که رسالت آنهاست . این چهار مقوله می تواند همه نیازهای مردمان را پوشش دهد ، اما برای اینکه هر یک را خیلی موشکافانه باز نکنیم و وقت نگیریم و بر تعاریفی که عرف است بسنده کنیم ، اینجانب سه مقوله دیگر هم بر آنها می افزایم ، تا آسانتر به بحث بنشینیم . که عبارتند از :

- مسکن

- غذا و تغذیه

- امور رفاهی اجتماعی .

مقوله آخر ظرف بزرگی است که هر آنچه به ذهن می آید و در غالب شش موضوع قبل جای نمی گیرد می تواند در اینجا نوشته شود . مثلاً مدیریت زمان کار برای مردمان . برای نیل به اهداف اقتصادی یک جامعه مردمان چند ساعت باید کار کنند ، چقدر باید از خانواده دور باشند ، آیا وظیفه دیگری برای مادر ، پدر ، پدر بزرگ ، مادر بزرگ ، فرزند غیر از نیل به شاخص های اجتماعی قایل هستیم ، اگر هستیم چگونه باید آن را مدیریت کنیم .

خاطرم هست با دوستانی که همه از مسئولین جمهوری اسلامی بودند به محضر حضرت آیت .. دکتر بهشتی (ره) رسیدیم و داد سخن سر دادیم که ما چنین می کنیم و چنان می کنیم ، وقت نمی شناسیم و شب و روز به فکر کار برای مردم هستیم . آن عزیز از دست رفته فرمودند ، مؤمن هشت ساعت کار می کند ، هشت ساعت عبادت و هشت ساعت تفریح که همه پسندیده هستند و مؤمن زرنگ کسی است که کارش را هم عبادت و تفریح کند آنوقت همه اش برنده است . و تفسیر عجیبی در این مدیریت زمان داشتند که در این مقال نمی گنجد ، بهرحال منظور تعریف کوچکی بود تنها از یک زاویه از امور رفاهی اجتماعی .

تا اینجا مقدمه بود اینک قصد داریم مقوله‌ی امور اجتماعی را بطور مختصر باز کنیم و از پنجره اقتصاد مقاومتی به آن نگاه کنیم. ما تلاش می‌کنیم نیازهای مردمان را در قالب این مقوله‌ها نشان دهیم و انتظار داریم که متخصصین و مجتهدین علم اقتصاد در کنار متخصصین هر رشته دیگر از نیازها بیایند و با شاخص‌های روشن "اسراف" و "تبذیر" جایگاه هر یک از نیازها در منابع عمومی و حتی فردی مردمان را ببینند و چگونگی مصرف بهینه سرمایه‌ها را رقم بزنند.

وقتی این مقوله‌های اجتماعی مثل آموزش، سلامت، امنیت، حفظ محیط زیست، مسکن غذا و تغذیه و... را بحث می‌کنیم، قطعاً نیازمند منابع هم هستیم، منابع مالی، منابع انسانی، منابع تجهیزاتی.

اینها حداقل منابع فیزیکی هستند که باید بخوبی شناخته شوند و در جای خود بکار گرفته شوند.

اما تولید این منابع و چگونگی تولید ثروت موضوع مهم دیگری است که وظیفه اصلی دولت مردان میشود و ما به آن می‌پردازیم.



## متن مهم تر از محتوا:

اگر چه در تعریف هر یک از شاخه های امور اجتماعی به زمینه مورد نیاز آن و شاخص های زمینه ای هم اشاره خواهد شد اما بدلیل اهمیت مطلب لازم است در اینجا تعریفی از متن داشته باشیم که مبدا اهمیت محتوا آنرا بپوشاند و ما دچار خسران شویم یا اسراف و یا تبذیری در کلام پیش آید .

فرض بفرمائید برای تأمین آموزش و سلامت و امنیت و ... تلاش کردید و مردمان را عالم و سالم و امن تربیت کردیم ؛ آیا نیل به مقصود شده است؟ دانشمندان علم الا اجتماع هنوز این انسان را کامل نمی دانند ، آنها می گویند باید زمینه ای در آن انسان بوجود آید که مهمتر از متن است که ، امروز آنرا "معنویت گرایی" می خوانند . سال های طولانی سعی کردند از این شاخص زمینه ای فرار کنند ، اما نشد ، بعدها آن را چهره پوشاندند و قیافه جدیدی برایش تعریف کردند ؛ یعنی "معناگرایی" و این مفهوم را تفسیر به رأی کردند که شاخص های غیر مادی هم باید در رشد انسان ها مورد نظر باشد و آن وقت کلاه سر مردم گذاشتند و هر شاخص را به جای آن قالب کردند یک روز در قالب قانون گرایی روز دیگر در قالب اخلاق گرایی و روزی هم در قالب نועدوستی و حقوق بشر و غیره اما هیچ کدام نتوانست جایگاه رفیع "معنویت" را برای پاسخگویی به نیازهای مردم بگیرد . "معنویت" پذیرش قدرتی است

ماورای آنچه می شناسیم و در تفسیر می گنجد ، آن قدرت را در مکاتب مختلف اجتماعی به شکل های گوناگونی تفسیر و تعبیر کرده اند . در نتیجه شاخص هایی به دست داده اند که در ارزیابی مقوله های اجتماعی به کار می روند ، مثلاً معنویت در مقوله آموزش ، سلامت امنیت و غیره . گاهی هم از شاخص عدالت استفاده میشود بعنوان مثال هم رعایت عدالت در تأمین آموزش ، هم رعایت عدالت در تأمین آموزش و سلامت که یکی مقهور دیگری نشود . برای ما تعریف معنویت و عدالت آسان است چرا که آنرا شاخصی الهی و اسلامی می دانیم . ما همه مختصات مورد نیاز در تأمین معنویت انسان ها را از خداوند می دانیم . شاخص هایی که خالق اصلی با ارسال پیامبران ارسال کرده است و کامل ترین آنها را در کلام و سنت آخرین فرستاده ، گنجانده است و آنرا با اندیشه و رفتار و بیان و تفسیر سیزده معصوم دیگر به دست ما رسانده است . لذا در تبیین وظایف دولت مردان و مردان علم اقتصاد برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی مردمان مؤلفه های اسلامی شیعی را مد نظر قرار می دهیم . این شاخص ها با عصاره وجودی "ولایت فقیه" به روز شده اند آنچه از ولایت فقیه میدانم ، همان "ولایت رسول ا..(ص)" است و این چقدر کار را آسان می کند و ما را سر صحبت اصلی راحت و بی دردسر متصل می نماید . تقبل این اندیشه بعنوان متن همه رفتارهای مردمان و دولت مردان در امور اجتماعی یک اصل لایتغیر است که ما این سلسله را با شاخص های اسلامی شیعی پذیرفته ایم نه تنها به

دلیل اینکه شاخص های دینی و قانونی ما هستند بلکه با مؤلفه های عقلانیت و تجربه و علم نیز جز آن در نمی یابیم . لذا در تبیین همه شاخص های امور اجتماعی ، " معنویت شیعی " و " عدالت اسلامی " را در متن جاری می دانیم و لزوماً برای نگاه از پنجره اقتصاد مقاومتی به امور اجتماعی باید متخصصین امور اسلامی نظاره گر باشند ؛ مبدا که کارشناسان در دریای اعداد و ارقام غرق شوند و عدالت آنهم عدالت اسلامی را فدا کنند و یا معنویت و توسعه معنوی جامعه را فدای پیشرفت هایی نمایند که بیشتر ظاهری آراسته دارند تا واقعیتی معتبر . این همان اشتباهی است که غرب و شرق متحمل شد . یکی توسعه را در قالب اندوختن ثروت تلقی کرد ، آنهم برای ثروت مندان و به او اجازه داد که هر آنچه می خواهد و می تواند به کار گیرد . و دیگری اختیار را از انسان سلب کرد . و گفت تو کار کن اما من می گویم حاصل کارت چگونه توزیع شود . او عدالت و معنویت را یکجا قربانی کرد . این موضوع مهم را مقام معظم رهبری بسیار جامع و کامل تعریف کرده اند آنجا که می فرمایند : " اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد این هم عدالت نخواهد بود عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد به ریاکاری دروغ ، انحراف ، ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد . "

### **وظیفه دولت:**

حال ببینیم چه وظیفه ای برای دولت قایل هستیم ، البته تنها از پنجره اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که اسراف و تبذیر در آن نباشد و هدف اصلی علم اقتصاد که تأمین زندگی معقول و استمرار بهبود روزانه آن می باشد را بدست آورد .

دولت برای تأمین اقتصاد ملی در دو جبهه انجام وظیفه می کند: **★ جبهه اول** وظیفه ای است که تمامی اعضای هیأت دولت بعنوان یک نهاد واحد و یکپارچه در قبال آن مسئولیت دارند . یعنی اعضای هیأت دولت ، مجرد از وظیفه اجرایی در حوزه عملیاتی تحت پوششان مسئولیت دیگری هم بعنوان عضوی از هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال مسایل کلان ملی دارند .

که از پنجره اقتصادی این مسئولیت را چنین تعریف می کنیم :

Resource Generation - تولید منبع

Resource Allocation - تخصیص منبع

Resource Management - مدیریت نحوه مصرف

اگر چه اداره ی هیأت محترم دولت به رئیس جمهور واگذار شده و یا توسط نماینده ایشان در حوزه های خاص عملی میشود اما تک تک وزرا محترم و سایر اعضای هیأت دولت هم در قبال آن پاسخگو هستند لذا ضرورت دارد با کمک متخصصین ذیربط اطلاعات لازم را در این موارد بدست آورند .

هیأت دولت از پنجره اقتصاد باید چگونگی تولید منبع را طراحی کند ؛ یعنی بعنوان مثال مشخص نماید چقدر از منابع مالی باید از حوزه نفت و یا محصولات آن ، چقدر از حوزه مالیات و مشارکت عمومی و چقدر از حوزه صادرات و غیره باشد .

همچنین برای منابع انسانی و تجهیزاتی نیز چگونگی برنامه ریزی را مشخص می کند .

سپس میزان تخصیص منابع را روشن کند و تعریف نماید ، با توجه به شاخص های ملی و وضعیت این شاخص ها منابع انسانی و تجهیزاتی و مالی را به آن حوزه موردنظر مثلاً آموزش ، سلامت ، امنیت ، پژوهش و... تخصیص دهند .

پس از تخصیص منابع که مبتنی بر شاخص های روشن بوده است پیگیری و مدیریت منابع در قالب چگونگی نیل به اهداف تعریف شده (استراتژی) توسط هیأت دولت صورت می گیرد . این مدیریت منابع نیز از وظایف بزرگ دولت است که مجموعه این رفتار را در حوزه اقتصادی بخش "اقتصاد کلان" می دانیم .

طبیعی است در تبیین اقتصاد کلان نیز همان مؤلفه های روشن عدالت اسلامی و معنویت مشروع را نیز در نظر می گیرند و گرنه می تواند در هزار توی اعداد و ارقام ، عدالت مخدوش شده و ماحصل متفاوت با اهداف گردد

★ جبهه دوم : وظایف دولت امور اجرایی در حوزه اقتصادی است یعنی بعد از تعیین تکلیف منابع کلان برای هر حوزه اجرایی مثلاً در سلامت و یا آموزش و غیره این بار وزیر مرتبط با آن حوزه ای که با توان مدیریتی خود اقتصاد کلان تعریف شده از سوی هیأت دولت را در قالب "اقتصاد خرد" به اجرا می گذارد . و با شاخص های اقتصادی معینی پس خوراند آنها به جامعه باز می گرداند و به هیأت دولت منعکس می کند .

در اجرا نیز رعایت همه شاخص های عمومی که ذکر شد از قبیل اثر بخشی هزینه ، بهره دهی هزینه ، عدالت ، معنویت ، اسراف و تبذیر باید به دقت مورد توجه واقع شوند . که سعی می کنیم در بحث های مربوط به امور اجتماعی با شاخص های روشنی آنها را مورد توجه قرار دهیم .

**مؤلفه های امور اجتماعی :**

در منابع علمی ، علم الاجتماع این شاخص ها را به چهار گروه بزرگ تقسیم می کنند ، که در اینجا بدلیل اهمیت مطلب سه گروه دیگر به آن اضافه می کنیم تا در بیان مصداق ها مطلبی گم نشود .

همانطور که گفته شد علم الاجتماع ، سه وظیفه اصلی برای دولت تعریف می کند و یک رسالت ، که عبارتند از : آموزش و پژوهش ، سلامت ، امنیت محیط زندگی . و ما سه مؤلفه دیگر شامل غذا و تغذیه ، مسکن ، رفاه اجتماعی را به آنها اضافه می کنیم ، اگر چه ممکنست این مؤلفه ها در دل چهار مؤلفه اول بگنجد . تبیین کلان این مؤلفه های اجتماعی تنها از پنجره اقتصاد مقاومتی بشرح زیر است :

**آموزش و پژوهش :** تولید ثروت و بهره گیری مناسب از منابع اقتصادی وابستگی غیر قابل انتزاعی با آموزش در هر مملکتی دارد . با سطوح پایین آموزش می توان زندگی کرد اما نمی توان پیشرفت کرد و نمی توان در جرگه مجامع و کشوری توسعه یافته بحساب آمد . برای ارتقای اقتصاد ملی سطح سواد بسیار ارزشمند است . بی سوادی نمره منفی تولید می کند ، کم سوادی ممکنست نمره منفی ایجاد نکند اما یقیناً نمی تواند به اقتصاد مولد تبدیل شود . بطور خلاصه تولید شغل و ثروت برای آموزش گیرندگان دوره دکتری و بالاتر است (Phd) یعنی اولین نفری که با آموزش مناسب می تواند تولید شغل و ثروت نماید دکتراست (Phd) آنهم بیشتر در حوزه غیر خدماتی . بهمین جهت این سطح از علم را اجتهاد می خوانند . بدیهی است تولید کار و علم در

سطوح کارشناسی ارشد و کارشناسی نیز مقدور است اما معمول نیست و آن سطح باید زیر چتر اجتهاد علمی دوره دکتری و بالاتر تولید ثروت نمایند. جالب است بدانیم که این روش حمیده در حوزه های علمیه ما سالهای زیادی است معمول است، تولید علم از دوره اجتهاد به بعد شکل می گیرد، و حتی تقریرها و تصنیف ها هم بعد از آن. با این مقدمه که در حقیقت فقط منظر اقتصادی آموزش است، وضعیت کشورمان در مقایسه با جهان را بطور خلاصه تعریف می کنیم.

در جهان شاخصی بعنوان میانگین سواد وجود دارد که برای بررسی آسان وضعیت کشورها بکار می رود، منظور میانگین سواد است که بین همه آدم های بالای پانزده سال یک کشور وجود دارد. این شاخص در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲/۱ سال بود و با تلاش های صورت گرفته در سال ۱۳۷۵ قریب ۵/۳ سال شد که در حال حاضر این رقم به ۷/۲ سال رسیده است، این رشد قطعاً جزء یکی از بهترین کشورهای جهان است، یعنی کمتر کشوری توانسته است در مدت ۳۰ سال میانگین آموزش را بیش از ۳ برابر کند. اما واقعیت اینستکه در این پیشرفت در بسیاری از موارد ما تنها باسواد شده ایم نه مجتهد ما عالم شده ایم نه مولد و هنوز تا مولدشدن راه طولانی در پیش داریم که باید مورد عنایت ویژه مدیران آموزشی کشور قرار گیرد. میانگین سواد در کشورهای پیشرفته مثل شمال اروپا و آمریکای شمالی در حال حاضر حدود ۱۳ سال است. این رقم در سال ۱۳۷۵ قریب ۱۲ سال بوده است یعنی میزان رشد



آموزش کلاسیک در کشورهای توسعه یافته با سرعت کندتری از کشور ما صورت گرفته است زیرا در آن کشورها تقریباً به سطح ثابتی از آموزش رسیده اند اما هنوز ما جای پرواز داریم . توجه عمیق به این ارقام می تواند در کشور معجزه بیافریند و این انتظاری است که از هیئت دولت و مسئولین آموزش عالی آن داریم .

نکته با اهمیت تر اینکه در مطالعه صورت گرفته جوانان ایرانی انتظار میانگین سواد حدود ۱۴/۵ تا ۱۵ سال دارند یعنی قریب دو برابر میزان سواد موجود و این امر نشان دهنده زمینه آماده پرواز برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی آموزش است . که مبنای اصولی برای رسیدن به اقتصاد مولد می باشد . موضوع پژوهش اگر چه لازم است بدلیل اهمیت جداگانه بررسی شود اما واقعیت اینستکه ، پژوهش بدون توجه به آموزش و خدمت راه کج خواهد رفت . شعار بزرگی داریم که برآن اصرار می کنیم "آموزش و پژوهش از مسیر خدمات می گذرد" ، یعنی اگر هدف را خدمت بگیریم یعنی ارتقای زندگی مخلوق آنهم برای قرب به ذات لایزالش . سیر پژوهش رنگ و بوی دیگری می گیرد . در حال حاضر اصطلاح معنی داری در پژوهش حاکم است که به فاصله « ۱ » معروف است یعنی ۹۰٪ پژوهش های انجام شده تأثیرپذیری عملیاتی ندارند حتی اگر به تولید علم هم منجرشوند و در قالب شاخص های مقاله ای مورد توجه قرارگیرند در اینجا یک مدیریت عالمانه و مدبرانه لازم است تا این فاصله پر شود و پژوهش بعنوان نردبان ترقی در خدمت

تولید ثروت قرار گیرد بدیهی است حوزه چنین پژوهش های بیشتر در دوره های دکترای و بالاتر شکل می گیرد . اگر چه نیروی عملیاتی آن ممکنست در سطوح پایین تر آموزشی باشند . تعیین سهم اقتصادی چنین پژوهشهایی اعم از اقتصاد کلان و یا اقتصاد خرد به عهده هیئت محترم دولت می باشد .

**سلامت:** مؤلفه دیگر از امور اجتماعی که باید از پنجره اقتصادی مورد عنایت قرار گیرد ، حوزه سلامت است ناگفته پیداست که انسان مولد باید انسان سالم باشد و انسان بیمار نمی تواند مولد باشد و یا تولید مناسب و کافی داشته باشد . اما موضوع اصلی اینستکه چه کسی سالم است؟ آیا کسی که بدلیل عارضه ای یک انگشت یا یک دست و یا یک پای خود را از دست داده است نا سالم است؟ بدیهی است که نقصان فیزیکی در این فرد وجود دارد ، اما این نقصان با جبران مدیریت شده آموزشی پژوهشی می تواند جایگاه اصلی را به او برگرداند و خللی در تولید ثروت و علم ایجاد نکند ، اگر چه توجه به پیشگیری از چنین مسئولیتی و یا جبران مافات آنها از مسایل روشن اقتصاد سلامت است اما اگر این انسان از روان بیماری برخوردار باشد ، حتی اگر همه دستها و پاها و جوارح او سالم باشد . نمی تواند در جایگاه مولد خود قرار گیرد .

مقوله سلامت روان اگر چه در سالهای اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است ، اما کمتر و یا مطلقاً از دیدگاه اقتصادی تحلیل نشده است .

زیان بار بودن یک انسان روان پریش بسیار بیشتر از انسانی است که طحال او را برداشته ایم و یا انگشتش را قطع کرده ایم . انتظار می رود حوزه اقتصاد سلامت بتواند این نقصان و تفاوت را بنحوی تبیین کند که سرمایه گذاری و بهره دهی ناشی از این سرمایه گذاری برای مدیران سیاستگذار و مجری مملکت روشن شود . میدان خالی است که می تواند جولانگه اقتصاددانان در حوزه سلامت شود و نتیجه آن هم رشد و تعالی مملکت .

میدان دیگری در حوزه سلامت مظلوم تر از میدان سلامت روانی است و شاید بتوان گفت اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است ، سلامت معنوی است در درس های تئوری و کلاس های خود از این حوزه داد سخن می دهیم و در مجامع ملی و بین المللی هم آنرا از حیطه های ارزشمند و ضروری سلامت می دانند و میدانیم ، اما در سیاستگذاری و اجرای سیاست ها جایگاهی برای آن تعریف نکرده ایم . در مقدمه عرض کردم که دنیا هم اگر چه با غرض و مرض اما نتوانسته است از قبول این مهم سرباز زند و اما جامعه مسلمانان که فرهنگ غنی معنویت و شرعیات را پشتوانه خود داریم ، الحق در این زمینه اسراف منبع کرده ایم . مؤلفه های روشنی در سلامت معنوی وجود دارد ، که ابعاد مثبت آن مثل مراقبه ، توکل، توسل نועدوستی ، ایثار ، توبه ، صبر ، شکر و... است و ابعاد منفی آن مثل دروغ غیبت ، تهمت ، گناه ، حسد و... است میدان عجیبی است ، سرمایه گذاری در آن آسان و بهره دهی لایتناهی است .

خاطرم هست در یکی از پیروزی های لشکر اسلام (احتمالاً آزادسازی بستان) حضرت امام رحمت ... علیه که خداوند انشاء.. روح بزرگش را با اجداد کریمش محشور نماید و حق اش را بر ما حلال فرماید قریب به این موضوع فرمودند .... «آنچه پیروزی بزرگ است فتح الفتوحی است که اتفاق افتاده است» یعنی امام نفرمودند که پیروزی بزرگ باز پس گیری کیلومترها خاک و یا اسیر کردن هزاران نفر از دشمن به غنیمت گرفتن هزاران تانک و توپ است و یا نفرمودند که نقصان ما مجروح شدن و معلول شدن تعدادی از سربازان پاک لشکر اسلام است ، بلکه رشد معنویت را پیروزی تلقی کردند و چه حساب شده و حسابگرانه فرمودند .

وقتی مسئولی در پشت دوربین ملی ظاهر میشود و با تهمت و غیبت و احياناً دروغ گروهی و یا فردی را مورد هجمه قرار میدهد و یا حداقل افشای فساد می کند قطعاً بیشتر از دشمنی که ویروس آنفلونزا و یا هر ویروس و میکروب دیگری را در جامعه منتشر می کند زیان می رساند و بالعکس آنکه بذر "امید" می کارد و به سرمایه معنوی اجر می نهد و مفهوم فتح الفتوح را جاری می سازد ، سرمایه های بیشتری را به جامعه ارزانی میدارد . این امر در کلام ولی فقیه نیز بکرات دیده میشود . تأمین سلامت معنوی از وظایف بزرگ حوزه اجرا و سیاستگذاری در دولت مکرمه است که حلقه گمشده سلامت است . و چه آسان در این مملکت با پشتوانه قوی معناگرایی اسلامی می توان به این سرمایه دست یافت . امروز موضوع سلامت معنوی بحدی روشن و اجرایی شده است که در

بعضی از کشورهای توسعه یافته قریب ۳۰٪ از برنامه آموزشی آنها را اشتغال کرده است. طبیعی است که یک انسان متدین به اصول معنویت آنها را با شاخص های الهی تعریف شده باشد سرمایه اقتصادی اجتماعی بسیار عظیم تری است و وجوب سلامت معنوی را بیشتر از سلامت جسمی و روانی تعریف خواهد کرد.

حیطه چهارم از سلامت، حیطه سلامت اجتماعی است که در قالب تعابیر و تعاریف مختلف مثل شایسته سالاری، اشتغال، بیکاری، مهربانی، خانواده و ده ها مقوله دیگر از آن صحبت میشود. اما واقعاً برای آن سرمایه گذاری درستی صورت نگرفته است خلاصه عرض کنم، که اگر انسان با شخصیت درست در موقعیت مناسب قرار گیرد، یک سرمایه گذاری اقتصادی و توسعه ای است، اما اگر این شخصیت والا در موقعیت نامناسب قرار گیرد اسراف پیش آمده است. و بالعکس اگر شخصیت رشد نکرده ای با همه ابعاد آن در موقعیت بالا قرار گیرد تبذیر شده است و زیان بار است. برای تأمین این حیطه از سلامت برای فرد، خانواده، اجتماع و جامعه هم باید برنامه ریزی های روشنی صورت گیرد.

رابطه سلامت با اقتصاد در دو جبهه تعریف میشود یکی همان جبهه اقتصاد کلان و سلامت است که وظیفه هیأت دولت بود، و یکی جبهه اقتصاد خرد و سلامت است که در سایر حوزه های اجرایی منجمله حوزه وزارت بهداشت عملی میشود در مطالعه بزرگی که حدود ۱۰ سال پیش

در جهان با بیش از ۲۰۰۰ محقق صورت گرفت و به چاپ چندین کتاب و مجلد منجر شد ، ثابت کردند که توجه به حوزه سلامت در اقتصاد کلان سرمایه گذاری بسیار سود آوری است که با هیچ سرمایه گذاری دیگری قابل مقایسه نیست در این تحقیق معلوم شد که یک دلار سرمایه گذاری در حوزه سلامت حداقل ۳ دلار بهره دهی دارد ، و تأمین سرمایه برای افزایش یک سال عمر مولد در انسانها معادل ۳ برابر سرانه در آمد ناخالص ملی (GDP) ارزش افزوده خواهد داشت . ورود به این میدان را به همه دلسوزان حوزه اقتصادی آشنا به امور سلامت توصیه می کنیم که انشاء... بیشترین بار توسعه ای را همراه خواهد داشت . اقتصاد سلامت لزوماً باید میزان سرمایه گذاری در حیطه های مختلف سلامت را مشخص و ما حاصل آن را نشان دهد از میدان های مهم اقتصادی است که جایگاه بزرگی در اقتصاد مقاومتی دارد کشورهایی چون هند ، سنگاپور ، سریلانکا و... در زمانی که تحت تحریم های شدید اقتصادی و نظامی قرار داشتند بودجه سلامت را افزایش دادند ، ما هم این تجربه را در اوایل پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی داشتیم به نحوی که با تصویب مجلس شورای اسلامی در آن بحران های مثال زدنی بودجه وزارت بهداشت بنحوی افزایش پیدا کرد که معجزه ی کاهش مرگ و میر و افزایش امید به زندگی و کنترل بیماری های کشنده اتفاق افتاد و کارستانی شد مثال زدنی در تمامی جهان که هنوز هم از سرعت اولیه آن

بهره مند هستیم . محاسبه هزینه اثر بخشی این اقدامات و چگونگی کاربرد آن از وظایف مهم اقتصاد دانان در حوزه اقتصاد مقاومتی است .

**امنیت :** یکی دیگر از مولفه های مهم امنیت است که دولت باید در تأمین آن انجام وظیفه کند از چهره اقتصادی امنیت فضای کسب و کار ، سرمایه و مال ، از جیب افراد تا خانواده و اجتماع - در درون شهر و دیار تا خارج از مرزها فضاهایی هستند که لزوماً باید برای یک اقتصاد پویا با همان شاخص های اسراف و تبذیر ، معنویت و عدالت رعایت شود .

امنیت شغلی و امنیت اجتماعی چهره های بیرونی هستند که می توانند اقتصاد را تعریف و ارتقاء دهند شاعلی که طراحی ساختار زندگی اش بر مبنای درآمد حاصل از آن شغل است ، نمی تواند یک باره بخشی از درآمد خود را با تصمیم دولت مردان از دست بدهد ، و انتظار داشته باشیم سربازی مطمئن در مقاومت اقتصادی باشد . اگر دولتمردی می گوید که برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی ، اضافه کاری های کارکنان حذف می شود مطمئناً نه از امنیت شغلی خبر دارد و نه بدنبال سرباز گیری برای مقاومت است این پیام یعنی عقب نشینی نه مقاومت . طراحی میدان جنگ در یک اقتصاد مقاومتی هنری بالا می طلبد ، آنطور که فوج فوج کارکنان داوطلبانه وارد این میدان جنگ شوند برای چنین سربازگیری لازم است اصول مشارکت عمومی ، توانمند سازی مردمی ، همکاری بین بخش های مختلف توسعه و بکارگیری توان های ملی را مدنظر قرار داد

. اگر قرار است در این میدان جنگ که واقعاً میدان جنگ است وارد شویم توانمند کردن مردمان و مشارکت آنها وظیفه مدیران کشوری است نه خلع سلاح کردن آنها . انتظار اینستکه سوال های روشنی توسط دلسوزان اقتصادی مطرح شود و جواب های روشن تری به مردم ارائه گردد تا میدان مردمی امنیت اقتصادی پر رونق و کارا گردد . اینجا نیز فضای بسیار مناسبی برای اقتصاد دانان دلسوز است تا راه و روشهای مؤثری را اعلام نمایند . آنچه که این روزها می شنویم و یا می بینیم پاسخ های بسیار سطحی برای مشکلات پیچیده ای چون اقتصاد مقاومتی است .

معروف است که می گویند : « برای سؤالهای سخت همیشه راه حل های آسانی وجود دارد که مرور زمان ثابت می کند آن راه حل ها غلط است !!»

**محیط زندگی سالم :** حفظ محیط زیست که رسالت دولت مردان است ، با آنچه مصطلح شده است تفاوت دارد ، در تعریف یعنی محیطی که انسان ها در آن زندگی می کنند ، امن ، سالم ، و محل رشد و توسعه باشد . خسران مالی ، جانی اندیشه ای ، رفتاری ایجاد نکند و در عوض ارتقای اندیشه و عمکرد را باعث گردد ، بنحوی که انسان در آن محیط به قرب الهی نزدیک شود یا متصل گردد . ساخت محیطی چنین پویا ، اندیشه دلسوزانه ای بزرگ را می طلبد ، اگر حوزه صنعت با ایجاد کارخانه ای بزرگ اشتغال آفرید و تولید را ارتقا بخشید اما



کشاورزی را ضعیف کرد باید مورد تحلیل دقیق اقتصاد ریالی قرار گیرد . اگر تصمیم حوزه های مالی سرمایه های سرگردان را جمع کرد و تولید فیزیکی را رونق داد باید از رعایت عدالت اجتماعی و معنویت اسلامی در آن مطمئن بود ، اگر محیط زندگی با اشاعه فرهنگ های رسانه ای تحت تأثیر قرار گرفت بنحوی که اندیشه و عملکرد جوانان متزلزل شد و یا آنها را از راه راست منحرف کرد آنچنان ضربه اقتصادی به جامعه وارد شده است که ناشی از حذف سرمایه های ملی است نه انحراف سرمایه ها و بالعکس اگر این فضا با شاخص های الهی تعریف و باز ساخت شد ، حاصل آن رشد و توسعه خواهد بود . ما این تجربه را در هشت سال دفاع مقدس داریم . آنچه ما را و ایرانمان را حفظ کرد پول و امکانات نبود ، بلکه سرمایه های انسانی رشد کردن در محیط زندگی سالم بودند ، که عزت ایرانی را در دنیای آن روز زباز کرد و چه پر خاطره است حضور ایرانیان مقاوم در آن روزها در کشورهای غربی که همه به دیده احترام او را می دیدند . ایجاد آنچنان محیط سالمی برای زندگی با شاخص های مذهبی بود که جز سود نتیجه دیگری نداشت اگر مولفه ها را عوض کنیم و تولید ثروت را تنها در قالب مادیات ببینیم نتیجه آن میشود که سرمایه ها به آسانی می توانند از کشور خارج و در محل های دیگر و اهداف دیگری بکار گرفته شوند نه برای ایران و ایرانی ، نه برای امروز و فرداهای خودمان .

بهرحال محیط زیست سالم فراتر از محیط سبز و نبود ریز ذرات آلوده کننده است. به یاد ندارم تا کنون تحلیل اقتصادی درستی از اشکالات بارز محیط زیست به ویژه در ابعاد معنوی منتشر شده باشد چنین تحقیقاتی اگر چه مشکل است ولی ضروری است با عنایت بیشتری توسط سیاست گذاران و مجریان مورد عمل قرارگیرد.

**مسکن:** یکی از مولفه های اجتماعی است که بعنوان مثال در دل محیط زندگی سالم می گنجد اما بدلیل اهمیت موضوع آنرا جداگانه مطرح می کنم.

از ضروریات تشکل های اجتماعی سالم مثلاً در پوشش خانواده داشتن مسکن مطمئن است منظور از داشتن مسکن، مالکیت آن نیست بلکه اطمینان از سقف آن است. یکی از کارهای خوب دولت در سالهای اخیر تأمین مسکن است که مورد تشکر است، اما آیا واقعاً تنها راه حل تأمین مسکن، تهیه آن با بودجه ملی و توزیع آن با مالکیت مردمی است بنظر می آید راه حل های دیگری هم میتواند وجود داشته باشد که صد البته باید همان شاخص دارابودن مسکن مطمئن را داشته باشند، برای تبیین این امر مصداقی از دو کشور با شاخص های اجتماعی متفاوت را ذکر می کنیم تا خود حدیث مفصل بخوانید از این محمل. در کشور سوئیس ( تقریباً همه کشورهای شمال اروپا ) مسکن برای گروه های زیادی از مردم در قالب مالکیت تعریف نمی شود، بلکه با سرمایه گذاری ها

مؤسسات رفاه اجتماعی (مثل سازمان های بازنشستگی) مسکن در قالب ضرورت (Efficiency) ساخته میشود و با شاخص هایی که برای آن کشور مهم است در اختیار مردم قرار می گیرد ، مثلاً بعضی از مشاغل ازدواج ، کار در شیفتهای سخت ، حضور در سازمان بسیج مردمی سوئیس ، شاخص هایی هستند که به آنها مجوز میدهد تا در مسکن عمومی زندگی کنند البته این امر مانع آن نمی شود که اگر شخصی ثروتمند شد نتواند خانه بزرگ تری با مالکیت شخصی تهیه کند .

در کشور چین با دیدگاه اجتماعی متفاوت ، محله هایی ساخته بودند که با شاخص های اجتماعی آن روز چین ، مردم می توانستند در اتاق های محقر آن زندگی کنند ، هر اتاق حداقل امکانات زیستی را داشت ، و در محله یک آبگرم کن نصب شده بود که تمامی اهالی آن محل می توانستند با استفاده از فلاسک های مخصوص آب سالم «جوشیده» را برای خانواده خود از این آب گرم کن شبانه روزی بردارند و به مسکن ببرند . دستشویی - رختشویی و آشپزخانه در قالب اشکال عمومی طراحی شده بود . همه مردم مسکن داشتند اما کسی مالک مسکن نبود ، این زندگی اشتراکی با شاخص های فرهنگی و ملی چین همخوانی داشت ، بدیهی است در بسیاری از نقاط دیگر دنیا مقبول نیست در کشور ما با همان شاخص های معنویت مشروع و عدالت اسلامی و آزادی های فردی اجتماعی تعریف شده می شود مشکل مسکن را حل کرد و یا برای حل آن قدم برداشت نکته اساسی اینستکه راه حلی که امروز در قالب

مسکن مهر اجرا شده است آیا اساسی ترین و مناسب ترین راه حل است ؟ یعنی آیا تأمین مسکن با مالکیت آن برای همه اقشار باید همراه باشد یا راه های دیگری هم وجود دارد ، مثلاً ما در دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی و اساتید و یا بعضی از کارخانه های تولیدی و شرکت های تجاری ملی و محلی مساکنی داریم که مالکیت عمومی دارند و بهره گیری فردی . با شرایط و شاخص های ویژه ، این شاخص ها در سطح ملی برای ارتقای امور اجتماعی می تواند بکار گرفته شود تا از تالی فاسد های روش معمول جلوگیری شود . بعنوان مثال وقتی زوج جوانی را در ابتدای زندگی خود صاحب مسکن می کنیم کار خوبی انجام داده ایم اما وقتی آنها را به مدت ۲۰ - ۱۵ سال بدهکار می کنیم تا حدود ۱ در آمد خود را برای بدهی مسکن بپردازند ، خانواده را از چه چیزهایی محروم کرده ایم قطعاً این بدهی منجر به کار بیشتر مرد و زن در بیرون خانه میشود ، فضا را برای حضور اعضای خانواده زیر یک چتر و برای مدت لازم و کافی تنگ می کند ، رفاه را از آنها می گیرد تفریح و تفریح را تنبلی نمایان می کند . منظور اینست که لازم است حتی برای این کار خوب هم تحلیل های مناسب اقتصادی با محاسبه شاخص های معنویت و عدالت داشته باشیم و بطور درستی نگوئیم این کار خوبست یا بد .

### غذا و تغذیه:

از دیگر مؤلفه های اجتماعی هستند که می توان آنرا در حوزه سلامت دید اما بدلیل اهمیت موضوع لازم دیدم جداگانه تحلیل شود . از وظایف دولت مردان مسئول است که محاسبه کنند مردم چه میزان کالری و با چه نسبتی باید دریافت کنند ، این یک محاسبه اقتصادی با رعایت عدالت اسلامی است .

تعیین میزان کالری مورد نیاز ؛ سهم پروتئین و قند و چربی در این میزان کالری از وظایف مسئولین سلامت است . چگونگی دریافت ریز مغذی ها و میزان آنها را کارشناسان سلامت تعیین می کنند اما متخصصین اقتصاد هستند که در طراحی های اقتصاد کلان و اقتصاد خرد این مهم ها را به نحو عادلانه تعیین می کنند . یکی از شاخص های قدرتمندی دولت مردان در هر کشوری این است که با توجه به سرانه درآمد ناخالص ملی ، تهیه مواد غذایی مفید مورد نیاز مردم چگونه است و این شاخص را به آسانی و با ورود به یک سوپر مارکت در هر نقطه از جهان می توان با صرف حدود یک ساعت وقت فهمید . این موضوع را امنیت غذایی می نامند که با مشارکت حوزه سلامت و اقتصاد در قالب اقتصاد سلامت تعریف می شود آنوقت مهم نیست شما در جنوب شرقی کشور زندگی می کنید یا در شمال غربی هر جا که هستید تأمین کالری با ریز مغذی های مورد نیازتان با توجه به فرهنگ و عادات غذایی و همچنین میزان سرانه درآمد ناخالص ملی در آن منطقه برایتان مهیا شده است . این کار را دولت مردان دلسوز با بهره گیری از اقتصاد مقاومتی تعریف کرده اند .

نگاهی به مؤلفه توزیع کالری و تسهیم مواد غذایی و ریز مغذی ها در کشور نشان میدهد که در طول سالهای گذشته چنین اندیشه های عالمانه ای حاکمیت نداشته است و ضرورت دارد که در سیاستگذاری و اجرا بسیار دلسوزانه تر عالمانه تر و قدرت مندانه تر عمل کرد. لازم به ذکر است که حجم سرمایه های معرفی برای تأمین غذای ملی احتمالاً مناسب است، اما توزیع آن و بویژه تسهیم آن در گروههای مختلف اجتماعی نامناسب است. گاهی در این سیاستگذاری ها آنچه بد عمل شده است که حتی منجر به اسراف سرمایه و نقصان تغذیه حتی برای آنها که توان مالی لازم را دارند گردیده اند. مصداق ها را می توان در تابلوهای رنگین فروشگاههای مواد غذایی و سفره های بسیار ضعیف تغذیه ای خانواده ها رویت کرد. اینجانب دلیل بزرگ این تناقض را تنها ضعف برنامه ریزی های حوزه سلامت نمیدانم بلکه عدم دخالت مدبرانه حوزه اقتصادی می دانم.

ورود به میدان غذا و تغذیه با دیدگاه اقتصاد مقاومتی یکی از شاخص های روشنی است که واقعاً می تواند معجزه کند.

**امور رفاهی اجتماعی:** یکی از مؤلفه های اجتماعی که گاهی مغفول می ماند امور رفاهی است. بعضی از مصداق های آن عبارتند از تشکیل خانواده حضور پدر و مادر و فرزندان در کنار هم در خانواده، وجود فرصت های استراحت خانوادگی در خارج از منزل در قالب تفریح و تفرج

. پوشش های فردی با لباس های مناسب ، اتومبیل ، لوازم زندگی و ...  
همه در این مؤلفه می گنجد .  
اگر این مؤلفه از برنامه ریزی های اجتماعی دولت مردان حذف شود ،  
اتفاق های ناگواری می افتد پدر خانواده حداقل دو شغله می شود و یا دو  
شیفته و گاهی سه شیفته و مادر خانواده ساعاتی را در بیرون از منزل طی  
می کند فرزندان خود به مدرسه می روند ، یا بر می گردند ، تنها در  
منزل می مانند و پوشش عاطفی والدین را کمتر دریافت می کنند . شوق  
زیبای همسر داری ضعیف میشود و بقیه ماجراها . نه اینکه با یک اتفاق  
همه این مسایل پیش می آید ولی بهرحال با هر یک از این نقصان ها ،  
خسران خانوادگی و اجتماعی پیش می آید که نگو و نپرس . فرصت  
کمی باقی می ماند تا همسران چهره زیبای دلدادگی را به فرزندان خود  
نشان دهند ، اگر چه این شاخص های معمول اقتصادی ممکن است رشد  
کند و این همان جایگاهی است که اقتصاد دانان باید با آگاهی و  
دلسوزی متفاوتی به قضاوت بنشینند و بسیار عمیق تر از معرفی چند  
شاخص مالی و سرمایه ای زندگی و رفاه اجتماعی را تعریف کنند . تعیین  
میزان کارایی فردی که روزانه هیجده ساعت کار می کند و یا مرخصی  
نمی رود با کسی که هشت تا ده ساعت در روز کار می کند و علاوه بر  
روزهای آخر هفته سالی یک ماه هم به مرخصی می رود از وظایف  
اقتصاددانان است تا بجز نوشتن ( مار ) ، شکل آن را هم به آنها که نمی  
توانند خوب بخوانند نشان دهند .

در این خلاصه تعریف امور اجتماعی و وظیفه مردان مدیر ، نقش اقتصاد کلیدی است و نخ تسبیح برنامه ریزی های اجتماعی بحساب می آید بشرط آنکه اولاً آشنا به همه زوایای اقتصادی باشند و هرگز شاخص های اسراف ، تبذیر معنویت و عدالت اسلامی را فراموش نکنند و دلسوزانه در جهت نمایاندن آن به سیاستگذاران و مجریان تلاش نمایند .